

اعتبارات اسنادی و ماهیت حقوقی آن در حقوق تجارت بین الملل

رسول ابافت*

طرف مقابل وفای به عهد نماید.

دغدغه های معقول طرفین در یک معامله بین المللی، به علل مختلف، همانند عدم اطلاع از وضعیت و حسن شهرت تجاری همدیگر، بعد جغرافیایی، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولتها، مقررات پیچیده و متنوع، محدودیتهای ناشی از اجرای حکم خارجی بیشتر از یک معامله داخلی است. بنابراین وجود مکانیسم و تریبی که باعث تسهیل و در عین حال، تضمین ایفای تعهدات طرفین گردد ضرورت انکارناپذیر می نماید. عرضه کنندگان کالا و خدمات، تا زمانی که وجه کالا و خدمت ارائه شده پرداخت و یا تضمین قرار نشده باشد تمایل به تسلیم مبیع یا ارائه خدمات ندارند. از طرف دیگر، خریداران نیز تمایل دارند که پس از دریافت کالا یا ارائه سرویس و خدمات وجه آن را پردازند. این امر (تقابل منافع) پیدایش اعتبارات اسنادی را به عنوان یک وسیله پرداخت در صحنه بین المللی سبب شد.

در دنیای پیشرفته و صحنه های پررونق تجاری امروزی از طریق اعتبارات اسنادی، کالا، خدمات و همچنین حقوق و

چکیده: در دنیای تجارت، دو طرف معامله و قرارداد خرید و فروش کالا در پی آن هستند که در مقابل تعهد طرف مقابل برای تحویل کالا یا ارائه سرویس و خدمات و یا دریافت وجه آن تضمین مالی و اعتباری کافی در دست داشته باشند. جمع این تقابل منافع در قالب اعتبارات اسنادی و تحت مکانیسمهای ویژه بانکی صورت می گیرد.

در این مقاله، ضمن تبیین تاریخچه و قدمت صدور اعتبارات اسنادی، به مفهوم و جایگاه آن و، نیز، شیوه های پرداخت در معاملات بین المللی و انواع اعتبارات اسنادی و ماهیت حقوقی آنها و... پرداخته شده است.

کلیدواژه: اعتبار، تضمین، معامله، اعتبارات اسنادی، تجارت بین الملل، بانک ماهیت حقوقی.

مقدمه

یکی از مسائل مهم، در هر قرارداد، پرداخت و چگونگی اجرای تعهدات طرفین است. هر طرف قرارداد، مادام که طرف دیگر تعهد خویش را اجرا نکرده، از ایفای تعهد سرباز می زند و یا، حتی الامکان، پس از حصول تضمین کافی از

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز پرنده.

مورد اعتبارات اسنادی برآمد(نک: محبی، ۱۳۷۴: ۳).
 برای اولین بار در سال ۱۹۳۳ در هفتمین کنفرانس اطاق بازرگانی بین‌المللی مقررات مقدماتی تدوین شد و از آن به بعد کشورهای زیادی رسماً مقررات آن را پذیرفتند. بعد از آن نیز، با توسعه عملیات و تنوع اعتبارات اسنادی و برای تشویق و ترغیب کشورهای که تا آن وقت مقررات یکنواخت را قبول نکرده بودند، لزوم تجدیدنظر در مقررات احساس شد؛ از این رو در سال ۱۹۵۱، در سیزدهمین کنفرانس اطاق بازرگانی، این مقررات مورد تجدید نظر قرار گرفت.

در پی همین فکر به موازات طرح موضوعات و مسائل اینگونه و برای حل آنها اطاق بازرگانی بین‌المللی متن تجدیدنظر شده‌ای را بر مقامات بانکی کشورهای مختلف عرضه کرد و از آنها تقاضا کرد که این مقررات را، متحدالشکل، از اول جولای ۱۹۶۳ به اجرا درآورند.

در تجارت شهرت و خوشنامی طرفین معامله، بی‌تردید، عامل بسیار مهمی است. در این عرصه، بانکداران گشاینده اعتبارات اسنادی، متعهد مشروط پرداخت وجه در مقابل تحویل اسناد حمل، مطابق با شرایط اعتبار میان خریدار و فروشنده می‌باشند و، در صورت بروز مشکل در این اسناد و یا پرداخت، باید، با توجه به عامل خوشنامی خود، به طور مقتضی، پاسخگو باشند؛ از این رو، نیاز به تدوین مجموعه‌ای از مقررات حاکم بر اعتبارات اسنادی که پاسخگوی نیازهای اقتصادی و تجاری جامعه بین‌المللی باشد، احساس گردید. مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، به مرور زمان، رشد و تکامل یافته و با توجه به تحولات حمل و نقل کالا و گسترش روزافزون حجم معاملات جهانی و انقلاب در ارتباطات الکترونیکی، که در سالهای اخیر جایگزین بعضی از مکاتبات سنتی گردید، اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۱۹۸۳ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی تدوین شده در سال ۱۹۷۴ را بازنویسی کرد

امتیازات پرداخت و تضمین می‌شود. متتهای خواسته طرفین معامله بین الملل این است که فروشنده کالا یا صاحب حقوق و امتیاز و یا ارائه دهنده خدمات، تا زمانی که عوض کالا یا حقوق خود را تحویل نکرده و یا دریافت آن تضمین قرار نشده، همچنان، بر مال و دارایی خود مسلط باشد و خریدار نیز قبل از آنکه پرداختی صورت داده باشد، بتواند کالای خریداری شده را بفروشد و یا از مزایای خدمات و حقوق مورد معامله بهره مند گردد. جمع این تقابل منافع در قالب اعتبارات اسنادی توسط بانک یا بانکهایی حاصل می‌آید که، در آن واحد، حقوق و مسئولیت طرفین قرارداد را مدنظر قرار می‌دهند و، بدین طریق، تحقق خواسته طرفین مسلم و خاطر آنها آسوده می‌گردد. در این فرایند پرداخت بهای کالا یا خدمات به نفع فروشنده (ذینفع اعتبار) تضمین گشته و فروشنده، مدارک و اسناد مقرر و لازم را به بانک تقدیم و وجه آن را دریافت می‌نماید. بانک نیز اسناد و مدارک یادشده را که از فروشنده تحویل گرفته به خریدار تحویل می‌دهد و از این طریق خریدار را مطمئن می‌کند تا زمانی که اسناد و مدارک مالکیت مورد قراردادی را تحویل ننموده و وجهی نیز پرداخت نخواهد کرد. با این حال، خود بانک هم از نوعی تضمین در مقابل دستوردهنده افتتاح اعتبار (مشری) برخوردار است که استرداد وجه اعتبار پرداختی به ذینفع را از ناحیه مشتری تضمین می‌کند.

قدمت صدور اعتبارات اسنادی احتمالاً به قرن چهارم قبل از میلاد و تمدنهای یونان باستان می‌رسد. این امر، در دوران امپراتوری روم، به بانکداران لمباردی (Lombardy) تسری یافت (نک: افتاده: ۷۹).

اما اعتبار اسنادی بنا به تعریف و ماهیت کنونی آن، به صورت بسیار ساده و برای اولین بار، را می‌توان در کشورهای انگلوساکسون و در سالهای قبل از جنگ جهانی اول جستجو کرد.

با پیشرفت و گسترش دامنه و گستره تجارت بین‌المللی، اتاق بازرگانی بین‌المللی درصدد وضع مقررات جامعی در

اجرا پیدا کرد. تفسیر و تبیین این مقررات نیز در نشریه ای با شماره ۵۵۱ ارائه شده است.

مفهوم و جایگاه اعتبار اسنادی

اعتبار اسنادی نوعی تعهد و التزام کتبی بانک خریدار است در مقابل فروشنده که با آن بانک را متعهد و ملزم می نماید تا در مقابل اسناد حمل کالا، قیمت آنها را به فروشنده یا به حواله کرد او پرداخت نماید. مکانیسم پرداخت اعتبار اسنادی به مثابه جریان خون در پیکره معاملات بین المللی است (D.Tplapy:172). اعتبارات اسنادی، به لحاظ ضرورت و اهمیت حیاتی داشتن در عرصه معاملات بین المللی، مستقل از قرارداد مادر یا اصلی خرید و فروش مورد معامله قرار گرفته و تبعاً مشکلات و مسائل خاصی، جدا از آن، دارد.

ماده ۲ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP) مقرر می دارد: از نظر این مواد، عبارت اعتبارات اسنادی ... به معنی هر قراری است که، به صورت اسمی یا توصیفی به موجب آن بانکی (بانک گشاینده اعتبار) بنا به درخواست و دستورات مشتری اش (درخواست کننده اعتبار) یا از سوی خود موظف می شود تا در برابر اسناد مقرر شده، مشروط بر رعایت شرایط اعتبار:

۱. پرداختی را به شخص ثالث (ذی نفع اعتبار) یا به حواله کرد او انجام دهد یا بروات صادره توسط ذی نفع را قبول و پرداخت کند؛

۲. به بانک دیگر اجازه دهد که آن پرداخت را انجام دهد و یا این بروات را قبول و پرداخت کند؛

۳. به بانک دیگری اجازه معامله دهد.

از نظر این مواد، شعب یک بانک در کشورهای مختلف به عنوان بانکی مجزا تلقی می شوند.

بنابراین، انگیزه اصلی تأسیس چنین مکانیسمی، در واقع، حمایت و حفظ حقوق خریداران در معاملات تجاری بین المللی است؛ زیرا وسیله ای برای کسب اعتبار و منابع مالی خریدار است. در این مکانیسم،

(تحلیلی بر مقررات اعتبارات اسنادی UCP-500 و کاربرد آن در معاملات اعتبارات اسنادی: ۷۱).

حاصل این بازنگری تدوین مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی نشریه شماره ۴۰۰ اتاق بازرگانی بین المللی بود.

مقررات UCP-400 قریب به ۱۰ سال به اجرا درآمد؛ لکن، با توجه به مسائل ضروری که از بررسی در آراء، نظرات و رویه های دادگاههای بین المللی مطرح شد و تحولات تکنولوژیک در بانکداری و حمل و نقل و صنایع دیگر، مقررات نشریه ۴۰۰ اتاق بازرگانی در باب اعتبارات اسنادی مورد تجدیدنظر واقع شد و با تصویب متن نهایی مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی تجدیدنظر سال ۱۹۹۳ در ۱۰ مارس توسط کمیسیون بانکداری ICC به بار نشست و مقررات جدید با عنوان UCP-500، پس از تأیید کمیته اجرایی اتاق بازرگانی بین المللی، از اول ژانویه ۱۹۹۴ آماده اجرا گردید. این مقررات، در حال حاضر، در جامعه تجاری بین المللی جاری است.

در ایران، تا سال ۱۳۵۵، بعضی از بانکهای کشور، منفرد، به مقررات مذکور ملحق شده بودند. ولی در سال ۱۳۵۵ مقررات اصلاحی UCP به تصویب کانون بانکهای وقت ایران رسید و این کانون الحاق دسته جمعی کلیه بانکهای کشور به مقررات UCP اصلاحی ۱۹۷۴ را رسماً به اتاق تجارت بین المللی اعلام کرد.

در راستای اصلاح و تکمیل قواعد و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، نشریه دیگری به شماره ۵۱۱، توسط اتاق بازرگانی بین المللی تنظیم و منتشر شده است که مقررات نشریه ۵۰۰ را تکمیل کرده است. همزمان با انتشار نشریه ۵۰۰، در سال ۱۹۹۳، اتاق بازرگانی بین المللی اقدام به تدوین مقررات متحدالشکل جدیدی برای پوشش اعتبارات اسنادی نمود که حاصل آن نشریه ۵۲۵ اتاق بود و از اول جولای ۱۹۹۶ قابلیت

ابلاغ اعتبار مفتوحه توسط بانک دیگری که معمولاً بانک محل اقامت ذی نفع است، انجام می پذیرد. بانک یادشده (بانک ابلاغ کننده اعتبار)^۲ به ذینفع (فروشنده) اطلاع می دهد که اعتبار باز شده است.

وظیفه این بانک صرفاً ابلاغ اعتبار مفتوحه نیست؛ بلکه علاوه بر آن، نقش مهمتر و مفیدتر تأیید اعتبار مفتوحه را نیز به عهده دارد. در مواردی که بانک ابلاغ کننده، عمل پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع را نیز انجام می دهد اصطلاحاً به بانک پرداخت کننده^۳ معروف است. اما گاهی اوقات این بانک تنها عمل ابلاغ اعتبار را انجام می دهد و بانک پرداخت کننده بانک ثالثی است.

کسی که خواهان افتتاح اعتبار اسنادی جهت پرداخت ثمن کالای خود است و استفاده از این مکانیسم پرداخت را در جهت تضمین نفع و حقوق خود به خریدار پیشنهاد می کند و نهایتاً اعتبار اسنادی به نفع او گشایش می یابد، فروشنده خارجی طرف معامله است. فروشنده یا ذی نفع اعتبار^۴ ثمن کالای خود را به یکی از طرق مقرر در ماده ۲ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) دریافت می دارد.

بانکی که اسناد حمل کالا را از ذی نفع دریافت می کند و پس از تطبیق آنها با شرایط اعتبار، نسبت به پرداخت وجه یا قبول بروات صادره ذی نفع اقدام می کند بانک معامله کننده (اسناد) نامیده می شود. این بانک، بانکی غیر از بانک ابلاغ کننده اعتبار است و در مواردی که بانک ابلاغ کننده فقط وظیفه ابلاغ اعتبار را به عهده داشته و اقدام به تأیید اعتبار ننموده باشد، عمل پرداخت را بانک ثالث دیگری انجام می دهد که بانک معامله کننده محسوب می شود.

شرایط و خصوصیات هر اعتبار معرف آن است. اسناد مختلفی برای صدور یا دریافت اعتبار ممکن

خریدار، که مشتری بانک گشایش کننده اعتبار است، دستور به افتتاح اعتبار می نماید و با این واسطه، مابه ازای کالای خریداری شده را به فروشنده پرداخت می نماید.

حسب تعریف فوق، اعتبار اسناد سند یا قراردادی است که به موجب آن بانکی به نام بانک... یا صادرکننده اعتبار، براساس درخواست خریدار شخصاً، یا به وسیله بانک دیگری به نام بانک کارگزار مأموریت پیدا می کند که متعاقب تسلیم اسناد حمل از ناحیه فروشنده، در طول مدت زمان اعتبار - مبلغ اعتبار - بروات یا سایر حقوق و مطالبات ذینفع (فروشنده) را براساس شرایط مندرج در اعتبار اسنادی پرداخت و تأدیه نماید. به عبارت دیگر، بانک بر اساس تعهد و الترام کتبی پرداخت و تأدیه مطابق دستور درخواست خریدار در قبال فروشنده یا ذینفع اعتبار قبول نموده است اعتباری را به نفع خریدار گشایش می نماید و در اسنادی که بر اساس قرارداد فیما بین با شرایط قانونی مقرر تحویل آنها توسط ذینفع اعتبار (فروشنده) ضروری دانسته شده است، استفاده از این اعتبار را به صورت پرداخت نقدی یا قبولی برات (به عنوان معامله رایج اسنادی در عرف تجارت علی الخصوص تجارت بین الملل) یا، از طرف دیگر، مذکور در ماده ۲ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی ucp به نفع فروشنده تسهیل و فراهم می نماید. این اسناد، حسب مورد، مختلف و متفاوت است. اسناد بعضاً سیاهه تجارته، بیمه نامه اسناد حمل گواهی بازرسی... می باشند.

خریدار به بانک مراجعه تقاضای افتتاح اعتبار می کند. بانکی که دستور مشتری را در این مورد مرعی می دارد و به درخواست او و مطابق شرایط مبلغ، سررسید و نوع اعتباری که او تعیین می نماید، اعتبار اسنادی موردنظر را گشایش می کند، بانک گشایش کننده^۱ اعتبار نامیده می شود.

1. Applicant Party
3. Paying Bank

2. Notifying Bank
4. beneficiary

است مورد نیاز باشد. آنچه ذیلاً مورد اشاره قرار می‌گیرد، موارد عمده این مشخصات و اسناد می‌باشند:

تعیین وسایل نقلیه مجاز حمل کالا: از مبداء به مقصد و اینکه حمل آن از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر مجاز است یا نه؟ یعنی اینکه آیا کالا باید فقط توسط یک وسیله حمل شود یا فروشنده می‌تواند برای حمل کالا از وسایل نقلیه مختلف استفاده کند.

تعیین نوع و کیفیت اسناد ارائه شده از ناحیه ذی نفع: تنها با ارائه اسنادی که طبق قرارداد مکلف به ارائه آنها گردیده، امکان استفاده از اعتبار را خواهد داشت و چون این اسناد حاکی از انجام تعهدات ذی نفع است، دستوردهنده باید دقت کند که اسناد مذکور دقیقاً طبق قرارداد صادرشده باشند و روشنی و صحت مفاد آنها برای تطبیق با شرایط اعتبار توسط بانک قابل احراز باشد.

شیوه های پرداخت در معاملات بین المللی

شیوه های پرداخت در معاملات بین المللی، نظر به عوامل مختلف، متفاوت است. طرفین با در نظر گرفتن میزان اعتمادی که به همدیگر دارند و نیز با ملاحظه اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی، یکی از انواع شیوه های پرداخت را در معامله خود انتخاب می‌نمایند.

هر یک از روشهای پرداخت، با توجه به محاسنی که دارد، و اینکه روش موردنظر باعث تسهیل و تسریع انجام معامله می‌شود، انتخاب می‌شود.

ساده ترین شیوه پرداخت در یک معامله بین المللی آن است که طرفین معامله، همزمان با سفارش، در باب پرداخت نقدی توافق می‌نمایند (پرداخت مستقیم)؛ در این روش معمولاً کلیه مخاطرات مالی برای صادرکننده از بین می‌رود. صادرکننده اول ثمن معامله را دریافت می‌کند و

تعیین نوع اعتبار: تعیین اینکه آیا اعتبار گشایش یافته قابل برگشت است یا غیرقابل برگشت؛ در صورت غیرقابل برگشت بودن تعیین اینکه اعتبار مزبور از نوع تأییدشده می‌باشد یا خیر، دارای اهمیت فراوان است. راجع به انواع اعتبار در مباحث آتی مختصراً مطالبی بیان خواهد شد.

تعیین مبلغ اعتبار: این مبلغ ممکن است شامل بهای کالا، هزینه حمل و حق بیمه (CIF) و یا بهای کالا به تنهایی (FOB) و یا بهای کالا و هزینه حمل (CFR) باشد. طبق مقررات داخلی ایران، مبلغ اعتبار، هزینه بیمه را دربر نمی‌گیرد و علت آن ضرورت بیمه کالاهای وارده توسط مؤسسات و نهادهای بیمه ای ایرانی است.

تعیین سررسید اعتبار: حداکثر زمانی که ذینفع اعتبار حق بکارگیری و استفاده از اعتبار گشایش یافته را داراست باید معلوم شود.

تعیین و ذکر مشخصات کالا: اوصافی شامل نوع، ساخت، مقدار و شماره تعرفه گمرکی (اوصاف مبیع). باید با اسنادی که نماینده اوصاف مذکور است، منطبق باشند و از این روست که پروفرمای صادره توسط فروشنده که مبین مشخصات کالا است، ضمیمه اعتبار می‌شود.

تعیین دفعات مجاز حمل کالا: در صورت مجاز بودن باید دفعات و فاصله زمانی هر دفعه و مقدار جنس از کل کالا که هر بار باید حمل گردد، نیز مشخص گردد و، به ویژه، تعیین شود که با حمل هر میزان کالا، چه

نحوه صدور بدینگونه است که معمولاً صادرکننده براتی را صادر می کند و براتگیر هم واردکننده است که برات صادره را قبول نویسی می کند و یا ممکن است برات گیر، بانک واردکننده باشد، گیرنده وجه برات ممکن است خود صادرکننده یا شخص دیگری باشد.

در این روش تعهدات براتی جدا و مجزای از تعهدات دیگر اسناد و مدارک معامله مربوطه - مانند قرارداد بیع، اوراق اعتباری (تعهدات منشاء) می باشد. برات گیرنده یا قبول کننده برات نمی تواند اعتراضات مربوطه به معامله را به عنوان زمینه ای برای عدم پرداخت دارنده برات که کاملاً قانونی و صحیح است قرار دهد. چرا که در این امر با ضوابط حاکم بر تعهدات براتی موضوع حقوق کامبیر منافات خواهد داشت. این روش نیز متضمن مخاطراتی است که بعضاً باید از آن پرهیز کرد؛ مثلاً ثبات سیاسی و اقتصادی کشور واردکننده و نیز تمکن مالی و ملانیت براتگیر در این روش مؤثر است.

بنابراین، با التفات به تقایص موجود در طریق مختلف پرداخت در معامله بین المللی، اهمیت پرداخت به شیوه اعتبار اسنادی بیشتر ملموس می گردد. یکی از مسائل مهم در بحث پرداخت به شیوه اعتبار اسنادی تشخیص و تفکیک نوع اعتباری است که افتتاح و مورد استفاده قرار می گیرد. نظر به نحوه توافق بین فروشنده و خریدار و نیز نحوه تعهد بانک در مقابل ذی نفع، اعتبارات اسنادی تنوع و گوناگونی ای دارد که آن را از انواع دیگر متمایز می سازد.

انواع اعتبارات اسنادی

در عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) ماده ۶ به ذکر و تعریف دو نوع از اعتبارات، یعنی اعتبارات برگشت پذیر و برگشت ناپذیر^۵ اشاره نموده و

سپس اقدام به ارسال کالا می نماید و بعد از این اقدام اسناد را مستقیماً برای خریدار ارسال می کند.

پرداخت از این طریق مستلزم این است که خریدار اعتماد کافی و فوق العاده به فروشنده یا صادرکننده داشته باشد؛ چه، در صورت نقض تعهد توسط فروشنده، خریدار مجبور است مخارج هنگفتی را خرج کند و در یک کشور خارجی که صادرکننده در آنجا اقامت دارد، طرح دعوی نماید و در نهایت معلوم نیست که آیا با این مخارج گزاف و اتلاف وقت در دعاوی خود موفق خواهد بود یا خیر؟

روش دیگر پرداخت، پرداخت دیداری است؛ در این شرایط توافق طرفین در مورد پرداخت ثمن براساس پرداخت به شرط رؤیت (دیداری) است که واردکننده (خریدار) باید مبلغ معامله را در قبال تسلیم اسناد و مدارک مالکیت اموال فروخته شده، بپردازد.

در این روش، صادرکننده عموماً اسناد را از طریق بانک برای واردکننده (خریدار) می فرستد و خریدار نیز قیمت کالا را با ارسال چک یا حواله تلگرافی یا پستی از طریق بانک خود، به صادرکننده می پردازد. استفاده از این روش در صورتی مناسب است که صادرکننده تردیدی در مورد توانایی خریدار در پرداخت و صحت عمل او نداشته باشد. برعکس صورت اول که واردکننده باید به صادرکننده اعتماد داشته باشد، در اینجا صادرکننده باید به واردکننده اعتماد کافی داشته باشد.

بدیهی است در صورت ارسال کالا و خودداری واردکننده برای دریافت ثمن و یا استرداد یا توقیف کالای ارسالی، مشکلات عدیده قضایی و اجرایی، همانند روش اول، و البته این بار برای فروشنده به وجود می آید.

روش دیگر، پرداخت از طریق بروات است که معمولاً براتی را که واردکننده قبول نویسی کرده در اختیار دارد که فوراً قابل معامله است و، از سوی دیگر، به خریدار نیز مهلت معینی برای تسویه حساب می دهد؛ مگر اینکه پرداخت برات دیداری (به رؤیت) باشد.

استفاده می‌شود. هرگونه تغییر در شرایط اعتبار یا ابطال آن باید با توافق بانک صادرکننده اعتبار و ذی نفع صورت پذیرد و بانک بازکننده اعتبار مکلف است به تعهدات مندرج در متن اعتبارنامه، از جمله پرداخت یا تدارک وسیله پرداخت و شرایط قبولی (در صورت صدور برات توسط ذی نفع عهده بانک) عمل نماید.

بند الف ماده ۹ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی در مورد این دسته از اعتبارات مقرر می‌دارد: اعتبار برگشت پذیر، تعهد قطعی بانک گشاینده اعتبار است مشروط بر اینکه اسناد مقرر به بانک تعیین شده و یا بانک گشاینده اعتبار ارائه شده و مواد و شرایط اعتبار رعایت شده باشد ...

اعتبار برگشت ناپذیر در صورتی که به نحو معمولی ابلاغ گردد و بانک ابلاغ کننده تعهدی به تأیید اعتبار صادره نداشته باشد، بانک مزبور تعهدی در پرداخت اعتبار ندارد؛ لیکن تعهد بانک گشاینده اعتبار دائر بر پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع کماکان باقی و محفوظ است. بدیهی است در صورت امتناع از پرداخت در مقابل ارائه اسناد، ذی نفع مجبور است، برای وصول بهای کالاها در کشور بیگانه، علیه خریدار یا بانک گشاینده اعتبار طرح دعوی نماید.

با عنایت به آنچه گفته شد، بانکهای ابلاغ کننده در این قسم، تعهد خود را به ابلاغ آن محدود می‌دانند و تعهد مستقلی در خصوص پرداخت وجه اعتبار به عهده نمی‌گیرند؛ بنابراین، چنین اعتباری تأمین مالی مطمئنی برای فروشنده محسوب نمی‌شود و فروشنندگان ترجیح می‌دهند که اعتبارات مفتوحه به نفع ایشان مورد تأیید نیز قرار گیرد.

در مواردی فروشنندگان، به دلایل مختلف اقتصادی - سیاسی کشور واردکننده یا به علت ضعف بنیه مالی و میزان قابلیت اعتماد بانک گشاینده، به صرف اعتبار بانک گشاینده اکتفا نکرده و تقاضای تضمین بیشتری می‌نمایند. این تضمین اضافی با تأیید اعتبار توسط بانکی به غیر از بانک

همچنین در ماده ۲ این مقررات به نوع خاصی از اعتبارات اسنادی که به اعتبارات ضمانتی^۶ معروف اند اشاره دارد.

بند الف ماده ۸ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) مقرر می‌دارد: اعتبار برگشت پذیر می‌تواند در هر لحظه و بدون آگاهی قبلی به ذی نفع توسط بانک گشاینده اعتبار اصلاح و یا ابطال شود.

در حال حاضر، از چنین اعتباری، به این سبب که قابل اصلاح یا لغو است و نیز به لحاظ رشد بی‌اعتمادی در صحنه وسیع جهانی و اینکه ذی نفع نمی‌تواند اطمینان و اعتماد کافی به دریافت وجه داشته باشد، استقبال نشود یا مورد استفاده محدود قرار گرفت. در حالی که تا قبل از جنگ جهانی دوم، این نوع اعتبار کاملاً معمول بود (نک: مهربان، ۱۳۷۱: ۵۴).

گرچه طبق بند الف ماده ۸، بانک می‌تواند هر لحظه و بدون آگاهی قبلی به ذی نفع اعتبار را ابطال نماید، اما ذکر این مطلب ضروری است که بانک گشاینده اعتبار معمولاً بدون موافقت یا تقاضای خریدار (دستوردهنده) اقدام به فسخ اعتبار یا تغییر آن نمی‌نماید. اما دستوردهنده، بدون نیاز به توجیه خاص قانونی و هر زمان می‌تواند اعتبار اسنادی مفتوحه را لغو یا فسخ نماید. بدیهی است در صورت عدول بانک از اعتبار مفتوحه در برابر دستوردهنده (و نه در مقابل ذی نفع) مسئول خواهد بود و ذی نفع هم تنها براساس قرارداد اولیه حق رجوع به دستوردهنده خواهد داشت (نک: شهریار بهرامی، ۱۳۷۸: ۱۷).

در مقابل آنچه در خصوص امکان ابطال یا اصلاح اعتبارات قابل برگشت بیان شد، اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت، نوعی تعهد قطعی برای دستوردهنده (خریدار) و بانک گشاینده اعتبار ایجاد می‌نماید که، به لحاظ همین ویژگی خاص، اهمیت ویژه‌ای دارد و در قراردادهای تجاری بین‌المللی

دستوردهنده از اجرای تعهدات خویش و یا دینی که دستوردهنده در مقابل ذی نفع پذیرفته است را می پذیرد (فتحی پور: ۱۴۴).

فرق عمده اعتبارات اسنادی عادی و اعتبارات اسنادی ضمانتی این است که تعهد مالی بانک در یک اعتبارنامه تجاری ناشی از اسناد و مدارکی است که مبین رعایت تعهدات قراردادی از ناحیه ذی نفع است و بیشتر به عنوان یک وسیله پرداخت و تأمین منابع مالی محسوب می شوند. در حالی که، در اعتبارنامه های تضمینی تعهدی که بانک می پذیرد ناشی از ارائه اسناد و مدارکی است که مبین قصور دستوردهنده در اجرای تعهدات و یا انجام پرداخت است که بیشتر یک وسیله تضمین و حمایتی برای ذی نفع محسوب می شوند تا یک وسیله معمول پرداخت و تأمین منبع مالی؛ هرچند که اعتبارنامه های تجاری هم از جهاتی خود نوعی وسیله تضمین پرداخت به حساب می آیند. فلسفه وجودی این دو نوع اعتبار، با توجه به نقش و عملکرد و موارد استفاده آنها روشن و نمایان شده و از این طریق می توان به تفاوت آنها پی برد (دریس کول، ریچارد جی: ۱۳۳)؛ اما بنا به طبیعت خاص اعتبارنامه ها، امکان استفاده از آنها به جای اعتبارات اسنادی تجاری و در مقام پرداخت بهای کالا یا خدمات هم وجود دارد؛ به طوری که با ارائه مدارک کافی از ناحیه ذی نفع (فروشنده) دائر بر عدم پرداخت بهای کالا می توان ثمن و خسارات وارده را مطالبه و پرداخت نمود.

گرچه اعتبارنامه ها از بسیاری قواعد مشترک با اعتبارات اسنادی تجاری برخوردارند لیکن در هدف و مقصد باهم همسویی کامل ندارند؛ کما اینکه برای تضمین خسارات وارده به ذی نفع که ناشی از قصور دستوردهنده در انجام تعهداتش می باشد، مورد استفاده قرار می گیرند و از این حیث تقریباً جایگزین انواع مختلف ضمانتنامه های بانکی (به معنی اخص) می شوند. استفاده از اعتبارنامه ها ممکن است برای استرداد و بازپرداخت وامی باشد که از ناحیه ذی نفع به دستوردهنده پرداخت شده است.

6. Stand- by Credits

بازکننده اعتبار تحصیل می شود که از نظر حقوقی بانک تأییدکننده مکلف می شود پرداخت وجه را تضمین نموده و حسب ضرورت پرداخت نماید. تأیید اعتبار (اعتبار تأییدشده: confirmed lic) سبب می شود که تعهد قطعی بانک گشاینده اعتبار، به نفع ذی نفع اعتبار ایجاد گردد و فروشنده با استفاده از مسئولیت ضامنی بانکهای گشاینده و ابلاغ کننده اعتبار و، با در دست داشتن یک اعتبار برگشت ناپذیر و تأییدشده، بتواند به بانک گشایش کننده رجوع کند و یا به بانک تأییدشده و به همین دلیل از طرف شدن با بانک گشاینده ای که برای او ناشناس است، خودداری کند. به ندرت اتفاق می افتد که ذی نفع برای دریافت وجه به بانک گشاینده یا تحصیل قبولی نسبت به بروات صادره عهده فروشنده مراجعه کند.

در بحث از انواع اعتبارات اسنادی، نوع دیگری از اعتبارات وجود دارند که از جهات عدیده با اعتبارات اسنادی تجاری مشابهت دارند اما از حیث نقش، عملکردی متفاوت از این نوع اعتبارات دارند. مثلاً از حیث قواعد و مقررات حاکم و یا اینکه متضمن قراردادهای سه گانه معمول هستند، همچنین مسئله قائمیت به خود و تفکیک روابط موجود از رابطه سندی و اصل عدم توجه ایراد و فرمالیسم و... با اعتبارات اسنادی تجاری همسان می باشند لیکن از نظر اهداف و مقاصد با آنها متفاوت اند.

نوع دیگر اعتبار اسناد، اعتبار اسناد ضمانتی است. در عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، این نوع اعتبار تعریف نشده است. فقط در ماده ۲ تحت عنوان اعتبارات اسنادی ضمانتی (Stand-by) و در ردیف اعتبارات اسنادی معمول از آنها نام برده شده است؛ اما اصطلاحاً به نوعی اعتبار تلقی می شود که، به موجب آن، صادرکننده اعتبار تعهدی بر بازپرداخت مبلغ دریافتی توسط دستوردهنده به ذی نفع که به عنوان پیش پرداخت از ذی نفع اخذ شده بود و یا پرداخت به واسطه قصور

اعتبارنامه‌ها به عنوان یک وسیله پرداخت و در مقام و جایگاه اعتبارات اسنادی تجارتي و به جای آنها مورد کاربرد واقع گردند، می‌توان آنها را از چنین ماهیتی برخوردار نمود که خودبه‌خود تصفیه شوند و صادرکننده در معرض تضرر ناشی از ورشکستگی یا مشکلات دیگر مربوط به دستوردهنده قرار نگیرد.

موضوع دیگر در بیان ماهیت اعتبارات اسناد تجاری این است که اساساً چنین اعتبارنامه‌ها و صدور آنها، بانکها را با محدودیتهای قانونی ناشی از اعطای اعتبار که حسب قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف بانکی و دولتی لازم‌الرعایه هستند، مواجه نمی‌سازد و تعهدات بانکها در صدور چنین اعتباراتی از دسته تعهدات بالقوه‌ای محسوب می‌شود که با توجه به دارایی بالقوه آنها از جهت استرداد و بازپرداخت وجوه تعهد باهم منجر به برقراری تعادل و هماهنگی می‌گردد و بانک را با محدودیتهای قانونی احتمالی مواجه نخواهد ساخت. لیکن به واسطه طبیعت خودبه‌خود تصفیه ناشدنی اعتبارنامه‌های تضمین و احتمال مواجهه بانکها با خطر ناشی از ورشکستگی و عدم توانایی دستوردهنده در اجرای تعهدات خویش محدودیتهایی از حیث اعطای چنین اعتبارنامه‌هایی وجود دارد که به واسطه فقدان یک دارایی بالفعل ناشی از قصور دستوردهنده با دارایی بالقوه مانند آنچه که در اعتبارنامه‌های تجارتي، شایع است، وجود خواهد داشت.

درخصوص شرایط استحقاق و مطالبه وجه اعتبارنامه توسط ذی‌نفع، مطلب قابل ذکر اینکه برخلاف اعتبارات اسنادی تجارتي که برای مطالبه وجه اعتبار، ذی‌نفع مکلف است اسناد و مدارک معروف به اسناد حمل از قبیل بارنامه، سیاهه فروش، گواهی مبدأ و بیمه‌نامه را ارائه و به بانک تحویل دهد، در اعتبارنامه‌ها ذی‌نفع باید اسناد و مدارکی را ارائه دهد که مبین قصور دستوردهنده و گشایش اعتبار از انجام تعهدات یا پرداختهایی که باید به عمل می‌آورد، باشد و این وجهه از اعتبارنامه در واقع

هرچند در مورد اعتبار اسنادی می‌توان گفت که اصولاً صادرکنندگان اعتبارات اسنادی تجارتي در راستای اجرای تعهدات یکی از طرفین قرارداد بیع و ارائه کالا، خدمات، حقوق و امتیازات، به طور قطعی و حتم تعهدی دایر بر پرداخت وجه معینی را می‌پذیرند و با ارائه اسناد و مدارک لازم از ناحیه ذی‌نفع در مقام ایفای تعهد به جای یکی از طرفین قرارداد پرداختی را صورت می‌دهند. در مورد اعتبارنامه‌های تضمینی وضع چنین نیست؛ از آن جهت که در اینجا تعهد بانک جنبه احتیاطی دارد و متعهد اصلی دستوردهنده است و تنها در صورت تخلف وی از اجرای تعهد، بانک مسئول پرداخت وجه اعتبار خواهد بود، یعنی بدو به صادرکننده اعتبار رجوع نمی‌شود. اما در اعتبارات اسنادی تجاری، این بانک صادرکننده اعتبار است که اولاً پرداختی را در وجه ذی‌نفع انجام می‌دهد و ثانیاً بانک به دستوردهنده خود جهت بازپرداخت و استرداد وجوه پرداختی به ذی‌نفع، به وی رجوع می‌نماید.

اصولاً اعتبارنامه‌های تجارتي واجد ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شونده هستند؛ بدین معنی که اسناد حمل مابه‌ازاء و وثیقه استرداد وجوهی هستند که از ناحیه صادرکننده به ذی‌نفع پرداخت شده و صادرکننده نسبت به کالای موضوع اعتبار یک حق عینی دارد که در صورت تخلف دستوردهنده (مشتری) در بازپرداخت بهای کالا می‌تواند حقوق خود را استیفاء نماید و از این جهت خطرات ناشی از اعسار، ورشکستگی و بدحسابی دستوردهنده مانعی برای وصول حقوق قانونی او به شمار نمی‌رود؛ اما در اعتبارنامه‌های تضمینی وضع بدین گونه است که با پرداخت وجه اعتبار، اعتبارنامه خودبه‌خود تصفیه نمی‌شود؛ زیرا چنین وثیقه‌ای که استرداد وجوه پرداختی را تسهیل نماید و به طور اتوماتیک واجد چنین ماهیتی شود در اختیار نیست و چون زمانی از این نوع اعتبارنامه استفاده می‌شود که دستوردهنده از انجام تعهدات خویش قصور ورزیده باشد، بنابراین صادرکننده اعتبار باید ابتدا وجه اعتبار را پردازد و آنگاه طلب خود را از دستوردهنده وصول نماید. البته اگر

معین، مثلاً یک ماه بعد، برای خریدار بفرستد و با حمل آن میزان مابه‌التفاوت اعتبار را هم دریافت نماید. اما اعتبار غیرجمع شونده، در صورت عدم ارسال یک دوره اعتبارنسبت به آن ابطال می‌گردد و فقط حق استفاده از اعتبار مقرر برای محمولات بعدی را خواهد داشت. از جهتی، ممکن است اعتبار گردان، کنترل شده و یا کنترل نشده باشد. اگر پس از هر بار ارسال کالا توسط فروشنده و تحویل اسناد حمل به بانک خریدار و پرداخت وجه توسط خریدار، استفاده از قسمت دوم اعتبار توسط بانک گشایش‌کننده مجاز اعلام گردد، اعتبار، کنترل شده نامیده می‌شود. اما اگر بانک گشایش‌کننده از اعتبار و ملائت خریدار مطمئن باشد و ذی‌نفع را در استفاده کل مبلغ مجاز اعلام دارد، اعتبار را کنترل نشده می‌گویند.

ممکن است فروشنده برای تهیه کالا و یا تولید آن نیازمند به مبلغی به عنوان پیش‌پرداخت باشد تا بتواند از محل وجه مزبور اقدام به خریداری و تهیه کالا و یا تولید آن نماید. بدین منظور ذی‌نفع از خریدار تقاضای چنین مبلغی می‌نماید و بانک ابلاغ‌کننده یا تأییدکننده اعتبار وجه مورد نظر را به فروشنده پرداخت نموده و از بانک گشایش‌کننده اعتبار این مبلغ را مطالبه می‌نماید و در نهایت نیز مسئولیت پرداخت، به عهده خریدار کالا است که متقاضی چنین اعتباری است. وجه تسمیه آن چنین است که اعتبار یادشده در دفعه اول برای جلب توجه بیشتر با جوهر قرمز نوشته یا تایپ شده است. اکنون تنها رنگ نگارش کلمات نیست که اعتبار را مشمول چنین توصیفی قرار می‌دهد بلکه این محتوی و مندرجات آن است که بیان‌کننده نوع و شرایط اعتبار اسنادی است، ولو اینکه در حقیقت با جوهر قرمز نوشته نشده باشد.

نظر به اینکه از زمان دریافت پیش‌پرداخت تا زمان ارسال کالا و تحویل اسناد حمل به بانک ابلاغ‌کننده بهره‌ای به پیش‌پرداخت تعلق می‌گیرد، بانک ابلاغ‌کننده یا پرداخت‌کننده، مبلغ پیش‌پرداخت و بهره متعلق به آن را از

نشانگر آن است که اعتبار مزبور نوعی اعتبار اسنادی است که به جای ضمانتنامه‌های بانکی قابلیت استفاده و کارایی مؤثر را دارد.

تدارک و ارائه اسناد و مدارک مثبت و وقوع تخلف و قصور در انجام تعهد در اعتبارنامه‌ها به عهده شخص ذی‌نفع است و تهیه این مدارک در اختیار اوست؛ در حالی که در اعتبارات اسنادی تجارتهی اسناد و مدارک لازم برای مطالبه وجه اعتبار مانند اسناد مالکیت کالا، بیمه نامه و گواهی بازرسی صحت کالا معمولاً توسط اشخاص ثالث (البته به درخواست ذی‌نفع) صادر و تنظیم می‌شوند. چنانچه ذی‌نفع قصد مطالبه متقابلانه وجه اعتبار را داشته باشد، در اعتبارات اسنادی تجارتهی وی مجبور خواهد بود که اسناد تنظیم شده توسط شخص ثالث را تحریف و یا جعل نماید؛ ولی در اعتبارنامه‌ها چون خود ذی‌نفع این اسناد را صادر می‌کند، با سهولت و راحتی بیشتر مبادرت به تقلب می‌نماید و از این جهت است که مطالبه مشروع اعتبارنامه به میزان زیادی به صداقت و درست‌کرداری ذی‌نفع بستگی دارد.

روش دیگر پرداخت استفاده از مکانیسم اعتبارات گردان است. طرفین، با استفاده از اعتبارات گردان، به عنوان یکی از مکانیسمهای پرداخت در تجارت بین‌المللی، از دوباره کاریها می‌کاهند، به طوری که در صورت انجام معاملات متوالی و با فواصل معین و شرایط یکسان بین خریدار و فروشنده، بدون اینکه خریدار نیازمند مراجعه مکرر به بانک و افتتاح جدید باشد، یک بار اقدام به گشایش اعتبار می‌نماید و این اعتبار در فواصل معین با مبلغ مشخص، خودبه‌خود، تجدید می‌شود. اعتباری که واجد این خصیصه تغییرپذیری و تجدید باشد اصطلاحاً گردان نامیده می‌شود.

اعتبارگردان ممکن است جمع شونده یا مترام^۷ و یا غیرجمع شونده^۸ باشد. دسته اول بدین معناست که اگر فروشنده، بنا به هر دلیلی، قادر به ارسال کالا به طور کامل نبود، حق دارد که آن قسمت ارسال نشده را در مدت

و تأیید شده باشد تا بانک دوم از پرداخت اعتبار اول اطمینان کافی یابد و بتواند آن را به منزله تضمین و وثیقه ای برای اعتبار دوم قلمداد نماید.

در مواردی که کالا یا خدمات از ناحیه شخص فروشنده تأمین نشده و مستلزم استفاده از اعتبارات اتکایی باشد در صورتی برای وی مقرون به صرفه اقتصادی است که مبلغ اعتبار دوم از اعتبار اول کمتر باشد تا ذی نفع اولیه ما به التفاوت آن را به عنوان سود خود برداشت نماید. همچنین سررسید اعتبار و آخرین تاریخ حمل اعتبار دوم باید مقدم بر اعتبار اول باشد تا ذی نفع اول بتواند به موقع قبل از سررسید و آخرین تاریخ حمل مذکور در اعتبار اول اسناد مربوط به کالا را دریافت داشته و آن را به بانک ابلاغ کننده اعتبار اول ارائه دهد.

ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی

علت تمایز اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع) در اراده ای است که در ایجاد آن کارگزار واقع می شود. آن دسته از اعمال حقوقی که از حیث انعقاد شرایط و آثار، تابع اراده طرفین است عقد محسوب و ایقاع به آن نوع عمل حقوقی اطلاق می گردد که تنها یک اراده در تحقق آن نقش دارد.

حال سئوالی مطرح می شود؛ اینکه آیا اراده مشتری مبنی بر تقاضای گشایش اعتبار به تنهایی باعث ایجاد تعهد برای بانک می گردد و یا بانک به طور یکجانبه و بدون توافق با مشتری قادر به ایجاد تعهد اعتباری بر ذمه خویش است؟ در پاسخ می توان گفت که از تعریف اعتبار اسنادی و رویه حاکم در بانکها، چنین مستفاد است که تعهد مندرج در اسناد اعتباری مستلزم توافق و تراضی و انعقاد قرارداد است. بدین شکل که مشتری متقاضی با مراجعه به بانک و اعلام شرایط مورد نظر در واقع ایجاب عقد مذکور را به عمل می آورد. بانک نیز، با توجه به شرایط قانونی و مقررات ارزی و امکانات خود

7. Cumulative

8. Non-cumulative

کل اعتبار کسر و مابقی را به ذی نفع پرداخت می نماید و در صورت عدم توانایی یا قصور ذی نفع از اجرای قرارداد و ارائه اسناد در موعد مقرر، بانک گشایش کننده اعتبار مسئول استرداد وجه پرداختی و بهره آن به بانک ابلاغ کننده است.

گشایش اعتبارات امروزه با دخالت الکترونیک و انفورماتیک، صورت می پذیرد و به همان خاطر نیز صرف توجه به نحوه عبارات یا شکل و خصوصیات ظاهری اعتبارنامه مفهومی ندارد.

در راستای حفظ موقعیت تجاری و ممانعت از عدم توازن و تعادل مالی صادر کنندگان معمولاً به نحوی عمل می نمایند که حداقل خریداران از منابع اصلی تهیه کالاها بی اطلاع باشند و به هر دلیل استفاده از اعتبارات قابل انتقال را هم به مصلحت نمی بینند. در این راستا و در جهت تحقق این هدف فروشنده به اتکاء اعتباری که سابقاً توسط خریدار به نفع او افتتاح شده از بانک ابلاغ کننده یا تأییدکننده اعتبار درخواست افتتاح اعتبار جدیدی به نفع عرضه کننده اصلی کالا می نماید و بانک مزبور هم، به پشتوانه اعتبار قبلی، اعتبار جدیدی را که کاملاً مستقل از اعتبار اولیه است، افتتاح می نماید. این اعتبار ثانوی را پشت به پشت یا اتکایی^۹ می نامند.

اعتبار پشت به پشت یا اتکایی عیناً قابل انتقال نیست، بلکه این اعتبار پشتوانه اعتبار دیگری قرار می گیرد. افتتاح این اعتبار، چون خود یک اعتبار مستقل و جدید است، مستلزم آگاهی و موافقت عوامل دیگر، یعنی بانک گشاینده اعتبار اول یا متقاضی نمی باشد.

از آنجایی که پایه و اساس تأمین مالی در این اعتبارات، اعتبار اولیه ای است که به وسیله خریدار نهایی افتتاح شده است، شرایط اعتبار مذکور اهمیت فراوانی دارد و باید از موقعیت اطمینان بخشی برخوردار باشد؛ اصولاً باید غیرقابل برگشت

اسنادی محسوب می شوند و عدم رعایت آنها موجب عدم انعقاد قرارداد بین طرفین خواهد شد. اما، با توجه به رشد سریع و تکنولوژیک تجارت بین المللی در پرتو استفاده از دستاوردهای علمی نوین، روزبه روز گرایش به سوی حذف این شرایط دست و پاگیر و کمک به تسهیل هرچه بیشتر معاملات می باشد. مثلاً فاکس، تلکس، کامپیوتر و ماهواره نقش اوراق را بازی می کنند و زمینه توافق درگیر در یک اعتبار (بانک، مشتری و فروشنده) را، به طور همزمان و با شرایط ساده، فراهم می سازند.

در اعتبار موضوع قرارداد به حکایت ماده ۲، عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) عبارت است از: ۱. پرداخت به ذی نفع یا حواله کرد او؛ ۲. قبول و پرداخت بروات به وسیله بانک دیگر توسط بانک گشاینده اعتبار؛ ۳. تجویز معامله اسناد به بانک دیگر.

آنچه از مفاد تعهدات موجود در یک معامله اعتباری می توان استخراج کرد آن است که اصولاً پرداخت بهای کالا یا خدمات مورد نظر در قرارداد اصلی بیع امری است که با استفاده از مکانیسم اعتبار اسنادی صورت می گیرد و اوصاف آن از حیث مبلغ، نوع ارز و زمان پرداخت مواردی هستند که هنگام افتتاح اعتبار (انعقاد قرارداد) مورد توافق قرار می گیرند.

قرارداد اعتبار اسنادی به دنبال قرارداد اصلی خرید و فروش کالا یا خدمات (بین مشتری و فروشنده) فیما بین مشتری یا دستوردهنده و بانک گشاینده اعتبار منعقد می شود. قرارداد اعتبار اسنادی که به تبع وقوع قرارداد نخست یا اصلی اساساً برای پرداخت ثمن موضوع آن قرارداد محقق می گردد، گرچه در زمان انعقاد پیرو قرارداد مزبور منعقد می شود، اما مانند عقد ضمان یا رهن یا کفالت در حقوق مدنی نیست که با زوال دین اصلی یا بطلان آن و یا به واسطه بروز عوارض دیگر متزلزل و مخدوش گردد. قرارداد

9. Back to back credit

ایجاب را قبول می نماید. بدیهی است هیچ یک از طرفین به تنهایی قادر به ایجاد تعهد نیست. مجموعه اعمال مورد نظر، عقدی است که نیازمند اراده طرفین (بانک و مشتری) است و به توافق درخصوص شرایط و چگونگی ایجاد و اجرای تعهد بستگی دارد. با ترسیم اقدامات و اعمالی که در نهایت منجر به صدور اعتبارنامه می شود، ماهیت اعمال حقوقی مزبور را می توان روشن کرد. همانگونه که اشاره شد، با قبول ایجاب به عمل آمده از ناحیه خریدار، توسط بانک گشاینده اعتبار، قراردادی بین بانک و خریدار منعقد می شود. اما پذیرفتن دستور مشتری و افتتاح اعتبار و زمانی که اعتبارنامه صادر و به نفع ذی نفع ابلاغ می گردد، خود واجد خاصیت و ماهیت مستقل از یکدیگر است؛ بدین معنا که بانک پس از پذیرفتن دستور مشتری دائر بر افتتاح اعتبار، در برابر او (خریدار) متعهد می شود و زمانی که اعتبار گشایش می یابد در جهت اجرای این تعهد اقدام می کند و، در نهایت، به صدور اعتبارنامه به نفع ذی نفع (فروشنده) تعهد مستقل دیگری را می پذیرد که ماهیت آن و متعهدله چنین تعهدی از تعهدات قبلی او در برابر مشتری متفاوت و مجزاست و با ارائه اسناد و مدارک لازم و مندرج در اعتبار مکلف به اجرای تعهد اخیر خود در برابر ذی نفع می گردد (نک: شهریار بهرامی، ۱۳۷۸).

در توافقات مربوط به گشایش اعتبار علاوه بر شرایط اساسی صحت معامله، قانونگذار شرایط خاصی نیز مقرر نموده است که رعایت آنها نیز واجد اهمیت اساسی است. مثلاً تنظیم قرارداد بر فرم خاص بانکی، ضمیمه نمودن مدارک از جمله فرم تعهدنامه ترخیص کالا و ثبت سفارش و سپردن درصدی از مبلغ اعتبار از شرایط لازم برای انعقاد و افتتاح اعتبار

پردازد، ممکن است چنین تصور شود که مبلغ فوق یکی از دو عوض قرارداد است که در ازای تحویل اسناد حمل به فروشنده تحویل می‌شود. اما این موضوع موجب این شبهه می‌شود که محتوای اصلی قرارداد اعتبار اسنادی انجام یک سری عملیات از سوی بانک مبتنی بر پرداخت وجه اعتبار است که موضوع آن مستقل از موضوع قرارداد اصلی و پایه استوار است و، به عبارت دیگر، با التفات به تفکیک و استقلال که بین دو قرارداد اصلی و اعتبار موجود است، این تنوع و تفاوت موضوع روشن می‌گردد. موضوع قرارداد اصلی خرید و فروش کالا و خدمات و طرفین آن فروشنده و خریدار هستند اما موضوع قرارداد اعتبار، تعهد به پرداخت وجه مشخص به ذی نفع و طرفین این قرارداد هم مشتری و بانک می‌باشند.

اعتبار قابل برگشت، بنا به تعریف ماده ۹ عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) عبارت است از اعتباری که در هر زمان بدون اخطار یا اطلاع قبلی به فروشنده، قابل اصلاح یا ابطال است. سؤالی که در ماهیت حقوقی چنین قراردادی مطرح می‌شود این است که آیا ماهیت حقوقی چنین قراردادی قابل فسخ و رجوع است و آیا با عقد جایز مطابقت دارد؟

عقد جایز، بنا بر تعریف ماده ۱۸۶ قانون مدنی ایران عبارت است از آنکه هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند.

مهمترین خصوصیت عقد جایز که آن را از عقد لازم مجزا می‌سازد همین قابلیت بهم زدن عقد است. هر چند که اعتبار اسنادی قابل برگشت، مانند عقد جایز، قابل فسخ و رجوع است، کلیه آثار عقد جایز را دارا نیست؛ از جمله، به موجب حکم ماده ۹۵۴ قانون مدنی ایران کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و همچنین به سفته در مواردی

اعتبار اسنادی خود، بالاصاله، وجود مستقلی دارد و یکی از مشخصات و وجوه افتراق آن با انواع دیگر قراردادهای تبعی در این است که گرچه اعتبار اسنادی به تبع وجود قرارداد دیگری منعقد گردیده است، ولی اصل بر استقلال این قرارداد از قرارداد منشاء صدور آن (قرارداد بیع) به مثابه تعهد براتی است.

اساساً در اعتبارات اسنادی بحث از طریقه و مکانیسم پرداخت است و تملیک یا تملک مبیع و ثمن، به نحوی که در بیع داخلی بحث می‌شود، مورد گفتگو نیست؛ اما از آنجایی که در این شیوه پرداخت، بانک گشاینده اعتبار مستقیماً یا از طریق بانک واسطه دیگر عهده دار اجرای تعهد اعتباری می‌شود و در مقابل مشتری تعهد به تهیه وسایل پرداخت کالا یا خدمات خریداری شده توسط او و به نفع ذی نفع می‌نماید و با صدور اعتبارنامه متعهد به وفای به عهد خویش در مقابل ذی نفع و پرداخت کالای فروخته شده توسط او می‌کند، تعهد مزبور را قطعاً باید واجد اوصاف و طبیعی عقود عهده دانست.

در قرارداد اعتبار اسنادی، که خود وسیله ای برای اجرای قرارداد اصلی بیع محسوب می‌شود، اعتبار، عرض کالا یا خدمتی است که مورد توافق یا مبادله شده است. به عبارت دیگر، تعهد بانک دائر بر پرداخت اعتبار یا تأمین آن، عوض کالا یا خدمتی است که مشتری از فروشنده دریافت نموده است و بانک هم، در نهایت، با رجوع به دستوردهنده (مشتری) اعتباری را که پرداخته است مسترد می‌دارد. اما پذیرش این تعهد از ناحیه بانک و تقبل افتتاح و پرداخت اعتبار به طور مجانی انجام نمی‌پذیرد؛ بلکه این تعهد در مقابل دریافت عوضی صورت می‌گیرد که عبارت است از کارمزد و بهره ای که مابه ازاء خدمات بانکی انجام شده است. هنگامی که بانک وجه اعتبار را به فروشنده می‌

ذی نفع که از اعتبارنامه ناشی می شود با بدهی که او به دستوردهنده دارد وجود نخواهد داشت و یا اگر دستوردهنده، به واسطه امر دیگری و یا حتی رابطه موجود و اولیه ای که منتهی به صدور اعتبارنامه شده است، از ذی نفع طلبکار شود، قادر نخواهد بود که به تهاثر متوسل شود. با استناد به همین ماهیت اعتبار است که اصولاً به هیچ طریقی، بجز مورد استثنایی تقلب، نمی توان مانع از پرداخت اعتبار شد. دستوردهنده، ذی نفع، بانک و سایر اشخاص که به نحوی در یک معامله اعتباری وارد می شوند، از حقوق و مسئولیتهای قانونی مفروضی برخوردارند که تنها موارد بسیار نادر و استثنایی مبانی این حقوق را مخدوش می سازند که در راستای حذف این موارد ایزدایی به نظر می رسد اهمیت روزافزون اعتبارات و سهولت و در عین حال قاطعیت فرایندهای حقوق اقتصادی، برخورد جازم و جدی در جهت زدودن کلیه زمینه های موجود و احتمالی مخدوش کننده حیثیت و اقتدار اعتبارات اسنادی و اسناد تجاری را می طلبند.

حقوق ذی نفع در قالبی جداگانه از روابط، اسناد و اقدامات مربوط به افتتاح یک اعتبار و صرفنظر از روابط بین او و خریدار و همچنین روابط بین خریدار و بانک و بانکها باهم و صرفاً از اعتبارنامه ناشی می شود که با حصول شرایطی خاص و مشروط به رعایت شرایط اعتبار و ارائه اسناد و مدارک مقرر و لازم قادر به انتفاع از حقوق موضوع اعتبار خواهد بود (نک: شهریار بهرامی، ۱۳۷۸).

طلبی که ذی نفع در نتیجه صدور و ابلاغ اعتبارنامه از بانک پیدا می کند، بخشی از دارایی مثبت او خواهد بود که، اساساً همان گونه که به طلبکار امکان استیفاء می دهد طلبکاران وی نیز ممکن است با توسل به اقدامات قضایی از محل این طلب بهره مند شوند؛ کما اینکه احتمال توقیف چنین طلبی از ناحیه

که رشد معتبر است. یکی دیگر از مهمترین خصوصیات عقد جایز این است که با موت طرفین منفسخ می شود مثلاً عقد وکالت که عقدی جایز است با موت وکیل یا موکل منفسخ می شود؛ ولی در قرارداد اعتبار اسنادی قابل برگشت موت یکی از طرفین موجب انفساخ تعهد نمی شود و هیچ یک از آن دو نمی توانند به بهانه فوت طرف دیگر از انجام تعهد خودداری نمایند. لذا، مشکل بتوان، با توجه به ماهیت عقد جایز در حقوق ایران، قرارداد اعتبار اسنادی قابل برگشت را نوعی عقد جایز دانست، زیرا که یکی از مهمترین خصیصه های عقد جایز را فاقد می باشد. اما می توان چنین استدلال کرد که هرچند عقد لازم را نمی توان بدون دلیل و جهت قانونی فسخ کرد، قانونگذار مواردی را برشمرده که، به موجب آن، برای طرفین یا یکی از آنها حق فسخ عقد را مقرر نموده که این اختیار در حقوق مابه خیار معروف است و در مبحث خیارات قانون مدنی ایران مورد بحث قرار گرفته است و به موجب حق مذکور طرفین عقد لازم می توانند در مواردی عقد را فسخ کنند. در قرارداد اعتبار اسنادی نیز که عقد لازم می باشد می توان به هر یک از طرفین یا هر دو طرف در مواردی که حق رجوع یا ابطال یا فسخ اعتبار را اعطاء نمود (اعتبار قابل برگشت). لذا اعتبار قابل برگشت را می توان نوعی عقد لازم دانست که به یکی از طرفین حق فسخ یا رجوع اعطاء گردیده است.

اساساً اعتبارات اسنادی، به عنوان یک سند بانکی، ویژگیهای منحصر به فرد دارند که حقوق ذی نفع در قالب آینه آنها تبلور می یابد؛ یعنی همان گونه که در اسناد تجاری مانند برات دیده می شود، با صدور و ابلاغ اعتبار، ذی نفع از حقوق جدیدی بهره مند می شود که صرفنظر از مبنای پیدایش آن است و مستقیماً از اعتبار نشأت می گیرد. مثلاً، امکان تهاثر بین طلب

اعتبارنامه‌ها ماهیتی کاملاً مستقل از مبنای وجودی خود دارند. به عبارت دیگر، اعتبارنامه‌ها، در واقع، بیانگر وجود حقی هستند که فی‌نفسه دارای موجودیت بوده و قائم به ذات است. ممکن است اسناد تجاری یا اعتبارنامه به گونه‌ای مبین و مؤید رابطه حقوقی قبلی باشند؛ اما آنچه در این مقوله مؤثر در مقام است، ماهیت خود سند است. اعتبارنامه‌ها مانند اموالی هستند که صرفنظر از عوامل ترکیبی و تشکیل دهنده آنها موضوعیت دارند و بر همین اساس است که امکان معامله آنها مانند توثیق پذیری آنها مطرح می‌شود. این اسناد صرفاً وسیله تحصیل مال نیست؛ بلکه به منزله سند یا مدرکی از میزان مشخص اموال و دارایی (که متن و ظاهر سند از آن حکایت دارد) می‌باشند. گرچه زمانی جهت پرداخت یک بدهی و دین که از یک عمل یا واقعه حقوقی ناشی شده است، صادر گردیده‌اند، لیکن به محض صدور، از منشأ اولیه فاصله گرفته و خود به عنوان یک مال و بخشی از دارایی مستقل دارنده و مالک آن مطالعه و بررسی قرار می‌شوند و، بر این اساس، تخدیش رابطه اولیه اقتدار این ماهیت ذاتی اسناد و اعتبارنامه‌ها را متزلزل نخواهد کرد.

پس از صدور سند یا اعتبارنامه ممکن است، بنا به طبیعت قابلیت نقل و انتقال و مبادله‌ای سند و اعتبارنامه ایادی متعددی در این مبادله دخالت می‌نمایند. به موجب وصف تجریدی همچنان که روابط موجد و سندی در طول هم قرار می‌گیرند، روابط متعدد سندی و ایادی مزبور در عرض همدیگر و مستقل از هم قرار داشته و محور مطالعه قرار می‌گیرند؛ یعنی ایادی متعاقبه، به طور مجزا و منفک از هم و در عین حال مجموع آنها در کنار همدیگر به دارنده سند و ذی‌نفع اعتبارنامه امکان انتفاع از موضوع سند یا اعتبارنامه را اعطاء می‌نماید و تنها در صورتی که سوءنیت یا تقلبی در استفاده از موضوع اعتبار اثبات گردد می‌توان دارنده با سوءنیت را از حقوق ادعایی خویش محروم نمود و، بنابراین، در برابر دارنده‌ای که با حسن نیت سند یا اعتبارنامه یا امضاء و مدارک

طلبکاران وجود خواهد داشت. نیز همین مطلب از زاویه‌ای دیگر به عنوان بدهی و جنبه منفی دارایی بانک و، به تبع آن، دارایی منفی دستوردهنده (مشتری) محسوب خواهد شد که در نتیجه ورشکستگی یا اعسار او به اتکای تئوری انتقال مالکیت محل دارایی قابلیت توقیف توسط طلبکاران ایشان را نخواهد داشت.

از مهمترین انگیزه‌های پیدایش و تکامل اسناد تجاری و نیز اعتبارات اسنادی تسریع و تسهیل در روند تجارت و مطالعات، به ویژه در سطح بین‌المللی است. تحقق این هدف تنها در صورتی ممکن خواهد بود که اسناد از آن درجه از اقتدار و ارزش برخوردار باشند که صرف توجه به شکل و ظاهر آنها و صرف نظر از ماهیت مبانی و روابط پیرامون آن دارنده را از مزایای سند بهره‌مند ساخته و او را فارغ از مسائل و مصائب ناشی از اثبات طلب و اصالت موضوع سند سازد. بر این اساس باید قائل بر آن بود که همه چیز باید بر اساس ظاهر سند ارزیابی شود.

بنابراین، با صدور سند یا اعتبارنامه مالکیت محل آن از شخصی به شخص دیگر انتقال می‌یابد و همچنان که ذی‌نفع اعتبار به استناد اعتبارنامه از نوعی حق عینی (به جای حق دینی) برخوردار می‌شود، خریدار (دستوردهنده) هم، از دیگر سو، نسبت به موضوع اسناد و مدارک و محتوای آنها از این حق بهره‌مند می‌شود (همانجا). نتیجه‌ای که از این تئوری گرفته می‌شود، شناسایی اعتبارنامه به عنوان معرف یک حق عینی در کاملترین نوع خود، یعنی مالکیت، است که خود واجد آثار و پیامدهای دیگر مانند عدم قابلیت توقیف وجه اعتبار یا موضوع سند و بارنامه به واسطه انتقال مالکیت محل آنها بوده که در نوع خود بی‌ظنیر و جالب توجه است.

صرف نظر از مسائل و مبانی حقوقی (اعمال یا وقایع حقوقی) که منجر به صدور یک سند تجاری و یا صدور اعتبارنامه از ناحیه بانک می‌شود، اسناد و

شود و تنها در صورتی که بانک گشاینده قابلیت انتقال اعتبار را تصریح نماید، می توان آن را به ذی نفع ثانوی منتقل نمود (بند ب). از سوی دیگر، انتقال پذیری اعتبارات اسنادی به اتکای عرف و عادات بازرگانی و اینکه امکان پرداخت اعتبارنامه تنها با ارائه اسناد و مدارک مشخص و معین که به موجب شرایط اعتبار پیش بینی شده و در صورتی که اصالت ظاهری این اسناد و مدارک هم توسط بانک ارزیابی و تأیید شده باشد، توجیه شده است. فلذا این روند با ویژگیهای قاطعیت و استقلال و موضوعیت اعتبارنامه در تعارض باشد. چه به موجب اعتبارنامه ذی نفع از حقوق بلامنازعی برخوردار می شود که باید به وی امکان بهره برداری از وجه اعتبار را با انتقال آن، ولو بدون درج چنین شرایطی، اعطاء نماید.

اما در مورد قابلیت مبادله و انتقال اسناد و مدارک مثبت مالکیت کالا یا حقوق و خدمات موضوع معامله باید خاطرنشان کرد، همانگونه که با ظهنویسی و نقل و انتقالات مکرر اسناد تجاری، دارنده از حقوق مضاعف و بیشتری نسبت به ایادی ماقبل خود برخوردار می گردد، امکان نقل و انتقال اسناد و مدارک مزبور به منزله تحویل و تسلیم کالا و موضوع اعتبار بوده و از بسیاری هزینه ها و دوباره کاریها جلوگیری به عمل خواهد آمد؛ مثلاً خریدار می تواند با ظهنویسی بارنامه در وجه شخصی دیگر و بدون اینکه خود را درگیر مسایل خاص گمرکی و ارزی نماید، کالای مزبور را بفروشد.

مبادله پذیری اسناد و مدارک مالکیت کالا همانند اسناد تجاری، ممکن است توأم با انتقال موضوع سند، یعنی خود کالا باشد که در این صورت کالا یا خدمات موضوع سند به همراه اسناد آن به دارنده جدید منتقل می شود و ممکن است بدون انتقال موضوع در قالب وکالت یا نمایندگی یا توثیق آنها باشد که در این صورت فقط خود سند و مدرک است که منتقل می شود و نه موضوع آن.
مسئولیتی تضامنی از خصوصیات و ویژگیهای ذاتی یک

مربوط به کالا و خدمات را در اختیار دارد، نمی توان ایراد کرد. ویژگیهای استقلال امضاها و قائمیت به خود به گونه ای منبث از همین وصف و ویژگی تفکیک رابطه موجد از رابطه سندی هستند.

تسریع و تسهیل تجارت و مبادلات، به ویژه در سطح بین المللی، اقتضا دارد که از درج شروط و قیودی که به نحوی در تعارض با اهداف آن است خودداری شود. اصولاً درج قید و شرط یا عباراتی که به نحوی در امکان مطالبه سند یا وجه اعتبارنامه اشکال تولید نماید، به واسطه مخالفت داشتن با طبیعت و ویژگیهای اساسی اعتبارنامه، به ویژه قابلیت مبادله ای و موضوعیت داشتن و اصالت ظاهر و ... ممنوع است. آنچه که طبق عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی و در عرف رایج بانکی از حیث درج پاره ای شروط و الزامی بودن رعایت آنها در اعتبارنامه ها جایز است به این خاصیت بارز اعتبارنامه سرایت و لطمه ای وارد نمی نماید؛ زیرا نفس رعایت همین شرایط نیز در راستای صراحت و منجز بودن اعتبارنامه ها لازم می آید؛ زیرا در غیر این صورت بانکها و ذی نفع یا حتی دستوردهنده را از حیث تشخیص حدود قانونی حقوق و مسئولیتهای خود با مشکل مواجه خواهد ساخت. بنا بر آنچه گفته شد بر خلاف موازین حقوقی سنتی مدنی و فقهی امکان صدور یک اعتبارنامه، به طور معلق، بطوری که با حصول معلق علیه حقوق ذی نفع نسبت به موضوع اعتبار و یا حقوق دستوردهنده نسبت به موضوع اسناد و مدارک مستقر شود، قانوناً فراهم نیست.

در ماده ۴۸ عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) موازین مربوط به نحوه انتقال اعتبار پیش بینی شده است. اساسیترین ممیزه موجود آن است که بر خلاف اسناد تجاری قابلیت انتقال اعتبار جزو ذات و ماهیت اعتبارنامه محسوب نمی

تجارت بین‌المللی و شیوه‌های آن هم تبعیت از قوانین و موازینی است که از ثبات و استحکام و انسجام برخوردار باشند. آنچه امروزه در زمینه عملیات اعتبارات اسنادی برای کلیه طرفهای دیگر مطاع دانسته می‌شود ناشی از این دیدگاه است که یکسان‌سازی قواعد و مقررات حاکم از جهات مختلف، به ویژه تسهیل، تسریع و تضمین به نفع جامعه تجاری بین‌المللی است و از همین رو است که کلیه کشورها و جوامع سعی در الحاق به این مقررات داشته و بدیهی است در پرتو این همراهی بین‌المللی سهولت و آرامش خاطر بر زندگی تجارت بین‌المللی حاکم می‌شود و اختلافات و هزینه‌های سنگین و غیرضروری، حتی الامکان، کم و یا حذف می‌شود.

در تجارت بین‌المللی اعتبار اسنادی، به عنوان یک سند و ابزار بسیار مفید و مهم، اهمیت بسیار زیاد دارد. ایفای این نقش مستلزم آن است که قواعد حاکم بر این نوع مکانیسم پرداخت نیز، به عنوان یک ضرورت، در راستای چنین هدف و منظوری باشد. بنابراین تفکیک رابطه اعتبار اسنادی از قرارداد پایه و غیر قابل استناد دانستن ایرادات (اصل عدم توجه ایرادات) به هنگام درخواست پرداخت از سوی ذی نفع برای استوار ساختن اعتبار این مکانیسم پرداخت و حفظ ارزش آن، به عنوان یک ابزار کارآمد بانکی، در معاملات بین‌المللی ضروری است. اگر بانک صالح باشد که خود را در روابط قراردادی بین طرفین دخالت دهد و یا دادگاهها بتوانند قبل از پرداخت اعتبار با ورود در ماهیت روابط قراردادی مانع پرداخت آن شوند، این سند بانکی ارزش و منزلت خود را از دست داده و از فلسفه وجودی خود دور خواهد افتاد.

طرفین معامله در قرارداد اصلی، قیمت و نحوه پرداخت بهای کالا و سایر شرایط و زمان آن را

اعتبارنامه است که توافق و قید و شرط نمی‌تواند آن را حذف یا تضعیف نماید و این خاصیتی است که از حقوق کامبیر ناشی می‌شود. البته در اعتبارات اسنادی در مرحله ایجاد و تحقق مسئولیت تضامنی اراده افراد است که کارگزار می‌شود و تعیین می‌کند که حقوق ذی نفع مورد تضمین مضاعف قرار گیرد یا خیر. اما به محض ایجاد و در مرحله اجرا عدول از آن امکان‌پذیر نیست و امضاکنندگان و تأییدکنندگان متعدد اعتبارنامه به منزله متعهد اولیه (بانک‌گشایش دهنده) دارای مسئولیت تضامنی در پرداخت وجه اعتبار می‌باشند. بدیهی است که اگر بانکهای واسطه تنها وظیفه ابلاغ یا واریسی اسناد و مدارک را به عهده داشته باشند و نسبت به پرداخت اعتبارنامه مسئولیتی را متقبل نشده باشند، مسئولیتی هم از این حیث نخواهند داشت.

در مورد اعتبارنامه‌ها نظر به اینکه توسط بانکها صادر و بوسیله بانک یا بانکهای دیگری ممکن است مورد تأیید قرار گیرند و دخالت افراد در آنها تقریباً ممکن نیست، امکان بروز استثناء و ایراد در پرداخت آنها نسبت به اسناد تجاری در حداقل ممکن است؛ زیرا با توجه به اینکه نامه گشایش اعتبار و قرارداد آن نزد بانک گشاینده باقی می‌ماند و کلیه اقدامات مربوط به صدور، تأیید و ابلاغ اعتبار هم توسط بانک به عمل می‌آید و مصون از دسترس افراد است، امکان دخل و تصرف و جعل امضاء یا تزویر در آنها کمتر است. اما در مورد اسناد و مدارک مربوط به مالکیت کالا که توسط فروشنده ارائه می‌شود، چون بانک تنها در مرحله پرداخت اقدام به تطبیق ظاهری آنها با شرایط اعتبار می‌نمایند و در تهیه و ارائه آنها نقشی ندارند مانند اسناد تجاری امکان تعرض و ورود ایراد و استثناء باقی و موجود است.

موازین مربوط به اعتبارات اسنادی و عملیات آن با نگاهی گذرا به تاریخچه آنها در روندی کاملاً رو به تکامل و توسعه قرار داشته است. اساساً لازمه تحول

اسنادی از حیث ارتباط با قرارداد مبنا و پایه در وضعیت کاملاً مشابه و یکسان قرار دارند. ضمانتنامه های بانکی نوعی تضمین قراردادی است که ذینفع را در برابر زیان ناشی از ناتوانی یا خودداری متعهد از انجام تعهدات حمایت می کند (نک: فرهنگ حقوقی Blak، ذیل واژه Performance Bond). و اعتبار اسنادی نوعی روش جاری پرداخت در معاملات بین المللی است. بدین ترتیب، ضمانتنامه بانکی، اجرای مفاد قرارداد موجود را تضمین می کند و اعتبار اسنادی، قرارداد ثانوی است که اجرای مفاد قرارداد اصلی فروش را از حیث نحوه پرداخت بهای کالا یا خدمات تسهیل و تضمین کند. گرچه در هر دو مورد قرارداد ثانوی در پی موجودیت و تحقق قرارداد پایه به وجود می آید، اما با ماهیتی مستقل از قرارداد (ضمانتنامه بانکی و اعتبار اسنادی) از اصول و احکام مشترک تبعیت می نمایند.

این تفکیک و استقلال در مورد اعتبارات اسنادی در ماده ۳ عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) صراحتاً ذکر شده است:

الف) اعتبارات بنا به ماهیت خود معاملاتی جدا از قراردادهای فروش و یا سایر قراردادهایی است که مبنای گشایش اعتبار قرار می گیرند. در توجیه این استقلال علاوه بر توجه به نقش و اهمیت اعتبارات اسنادی و نیز ماهیت متفاوت قرارداد اعتبار از قرارداد پایه از حیث افراد و مفاد تعهدات می توان چنین گفت که همان گونه که در حقوق فرانسه در توجیه استقلال ضمانتنامه بانکی مقرر است در مورد اعتبارات اسنادی هم فرض بر این است که بانک صادرکننده یا گشاینده اعتبار از استناد به هر گونه ایرادی که در مقابل بدهکار اصلی می توان بدان تمسک جست، پیشاپیش، صرف نظر کرده و خود را مسئول پرداخت بلاقید و شرط در مقابل ذی نفع قرار داده است.

مشخص می سازند و پرداخت بهای کالا از طریق گشایش اعتبار، گرچه در راستای توافق طرفین به موجب قرارداد اصلی به عمل می آید، اما اصولاً قرارداد اعتبار اسنادی، قراردادی کاملاً مستقل از قرارداد اصلی است؛ به این دلیل که صرف نظر از نقش و فلسفه تأسیس و پیدایش اعتبارات اسنادی، به عنوان وسیله تسهیل و تضمین معاملات در جریان افتتاح و پرداخت اعتبارات در واقع قراردادهای توافقات جداگانه ای منعقد می گردد که از اطراف آنها و تعهدات موجود در آنها با قراردادهای اصلی متفاوت اند. از این رو یکی از اصول حاکم بر اعتبارات اسنادی استقلال آنهاست. نظر به ملاک مشترک و شباهت والای اعتبار اسنادی با ضمانتنامه های بانکی می توان به اصول و ضوابطی که در این خصوص بر ضمانتنامه های بانکی حاکمیت دارند، اشاره کرد و آنها را به اعتبارات اسنادی هم سرایت داد: در توجیه استقلال ضمانتنامه های بانکی از قرارداد اصلی به رأی مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ دیوان تمیز فرانسه اشاره نمود؛ بدین شرح که طبق مواد ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ قانون مدنی فرانسه تعهد ضامن نسبت به تعهد مدیون اصلی تبعی است و حتی شرط صریح قراردادی هم نمی تواند این صفت را از عقد ضمان سلب کند؛ در حالی که طبق رای فوق الاشاره ضمانتنامه بانکی دارای استقلال است و تعهد بانک ارتباطی به قرارداد پایه که ضمانتنامه در زمینه تضمین تعهدات ناشی از ان صادر شده است ندارد. در این رای دیوان تمیز، نظر دادگاه پژوهشی را مورد تأیید قرار داده است. به نظر دادگاه پژوهشی بانک نمی تواند به ایراداتی که بدهکار اصلی می توانست در برابر طلبکار بدانها متوسل شود، استناد کند (نک: محمود کاشانی، ۱۳۷۵-۱۳۷۴: ۱۶۹).

همان گونه که ملاحظه می شود، صرف نظر از عملکرد متفاوت این دو مکانیسم بانکی اعتبارات

پس در راستای اهتمام بیشتر و عنایت به جایگاه ویژه اعتبارات اسنادی در معاملات بین‌المللی باید هدف را بر جداسازی هرچه بیشتر ارتباط حقوقی قرارداد اعتبار از قرارداد پایه داد.

یکی از نتایج اساسی که در تفکیک دو رابطه موصوف متصور است آنکه نمی‌توان گفت با قبول ایجاب خریدار توسط بانک تبدیل تعهد به عمل می‌آید و توافق اخیر جایگزین توافق سابق (قرارداد بیع اصلی) می‌گردد. بنابراین، تعهدات خریدار کماکان طبق قرارداد اصلی به حال خود باقی می‌ماند و تعهد بانک موجب حذف تعهدات خریدار نمی‌شود. نیز نمی‌توان قائل به این شد که با وقوع قرارداد ثانوی انتقال طلب صورت می‌گیرد و یا نمایندگی مدنی اعطاء می‌شود. دلیل این امر را باید در ماهیت و خاصیت ذاتی اعتبارنامه و اسناد تجاری جستجو کرد. به موجب دکترین نوین کلیه تئوریهای سنتی در مورد اسناد تجاری (تئوریهای ۱۵ گانه) مردود و در قالب حقوق نوین که به حقوق کامبیر معروف است، اسناد از ویژگیهایی مانند موضوعیت داشتن، استقلال و قائم به خود بودن، مجرد بودن و... برخوردارند که مبین ماهیتی کاملاً منحصر به فرد و مختص به خود هستند و سعی در گنجاندن آنها در قالبهای حقوق سنتی و مدنی کاری عبث و ناصحیح است. از دیگر سو با توجه به ظاهر اسناد و مدارک و ظاهر روابط (تئوری ظاهر) و عنایت به موضوع و مدارک می‌توان به اهمیت والای فرمالیسم (توجه به شکل) پی برد. در اسناد تجاری فرمالیسم چنان اهمیتی دارد که عدم رعایت ظاهر ممکن است سند را از حالت تجاری خارج گرداند (شهریار بهرامی، ۱۳۷۸).

رویه بین‌المللی حکایت از آن دارد که بانکها در صورت رعایت شرایط اعتبار توسط ذی‌نفع، در هر حال، مسئول پرداخت اعتبار هستند؛ مگر در صورت وقوع تقلب در معامله یا اسناد حمل یا جعل آنها

چهره دیگر تفکیک و استقلال ماهیت بین دو قرارداد پایه و اعتبار اسنادی به شرح ماده ۴ عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) بدین گونه نمایان است در عملیات اعتبار همه طرفهای ذیربط، اسناد را معامله می‌کنند و نه کالا یا سایر کارکردهایی که اسناد مربوط به آنهاست.

بنا به حکم این ماده بانکها فارغ از توجه به اختلافاتی هستند که متعاملین ممکن است در ارتباط با قرارداد اصلی داشته باشند و بروز اختلاف بین متعاملین، به واسطه علل و جهاتی که از قرارداد اصلی ناشی می‌شود، نمی‌تواند موجبی برای عدم انجام تعهدات از سوی بانک باشد. در حقوق نوین حاکم بر اسناد تجاری یا حقوق کامبیر (نک: محمود کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۶۹) یکی از زیباترین نمادهای جانشینی اسناد به جای پول و وجه نقد در قالب این اصل تبلور گردیده است؛ بدین معنی که پس از صدور سند، سند یادشده تحت عنوان رابطه براتی یا تعهد براتی از رابطه اولیه یا رابطه موجد فاصله گرفته و تفکیک می‌شود؛ از آثار و خواص این تفکیک عدم توجه به ایراداتی است که مربوط به رابطه موجد بوده است. بنابراین، ایراداتی مانند بطلان پایه یا تعهدی که موجب صدور سند گردیده است، فسخ قرارداد موجد، اجرای کامل آن، ادعای تهاتر یا انتقال طلب و... از سوی متعهد در برابر دارنده با حسن نیت سند مسموع نبوده و نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد (نک: شهریار بهرامی، ۱۳۷۸).

به نظر می‌رسد این معنی در مورد اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی نیز دقیقاً مصداق یابد، به طوری که به اتکاء این اصل می‌توان به مسئولیت نوعی بانک در مقابل ذی‌نفع قائل شد و چنین گفت که استناد به ایرادات مربوط به قرارداد اصلی فروش از سوی بانک غیرممکن بوده و مسموع نیست.

کالا را نخواهد داشت. این اصل باید در همه مراحل یک معامله اعتباری مورد توجه باشد؛ یعنی در مرحله گشایش و هنگام ابلاغ و نیز هنگام پرداخت اعتبار ملحوظ شود.

در صورت بروز اختلاف میان اسناد با شرایط حسب بند ب از ماده ۱۳ عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) باید در فرصت متعارفی مراتب به ارسال کننده اعلام گردد.

در بررسی وظایف بانک در تطبیق اسناد و مدارک با شرایط اعتبار باید متذکر شویم که در همه مواردی که اسناد و مدارک کنترل می شوند و خصوصاً در موردی که مهلتی جهت اصلاح نواقص اعتبار به فروشنده اعطاء می گردد، باید به زمان انقضای اعتبار توجه گردد؛ زیرا تاریخ انقضاء در اعتبار اسنادی مهم بوده و بانک نمی تواند با اعطای چنین فرصتی به فروشنده مدت اعتبار را افزایش دهد. بدیهی است در صورتی که فروشنده نخواهد و یا قادر نباشد که در مهلت مورد نظر اصلاحات را انجام دهد، به واسطه عدول از شرایط اعتبار، حقی هم بر اعتبار نخواهد داشت (مواد ۴۴، ۴۳، ۴۲، بند ب ماده ۱۳ و ... مقررات UCP-500).

مطلب درخور توجه دیگر آنکه اصولاً تنها در موارد قصور و غفلهای سبک، امکان اعطای فرصت جهت اصلاح ایراد و نواقص اعتبار وجود دارد و در صورت وقوع و کشف تقلب، اعطای چنین ارفاق و مهلتی امکان پذیر نمی باشد.

تنها مطلب قابل توجه در تبیین آنچه گفته شد این است که ضابطه حاکم در جهت تشخیص غفلت ساده یا سبک از تقصیر سنگین چیست؟ در پاسخ به این سؤال قاعده و حقوق مشخصی وجود ندارد. اما با اتکاء به اصول کلی حقوق مانند اصل صحت و عدم تقلب باید قائل به این بود که اساساً در صورت طرح چنین ادعایی وظیفه مدعی (خریدار) است که

و ... و احراز موضوع در مرجع صلاحیتدار قضایی. در بحث از تقلب و ممنوعیت پرداخت ناشی از آن باید گفت در هر معامله قاعده و اصل بر صحت و برائت طرفین از تقلب قرار دارد و چون اساساً وقوع و وجود تقلب امری خلاف اصل است، باید توسط مدعی تقلب اثبات گردد. بنابراین، وجود تقلب را نمی توان مفروض دانست؛ بلکه موضوع مشخصی است که باید به اثبات برسد و امری نوعی و معمولی نیست. هم بر این اساس است که بار اثبات هر مدعا به عهده مدعی خواهد بود.

نظر به اینکه مسئولیت نهایی پرداخت وجه اعتبار به عهده خریدار (دستوردهنده) می باشد، لازم است که همه بانکهای مرتبط با معامله اعتبار اسنادی از دستورات وی تبعیت نمایند؛ والا به واسطه خروج از حدود اختیارات نمایندگی، اقدامات وی توسط اصیل قابل رد بوده و مخاطرات ناشی از این بی توجهی را باید تحمل نمایند.

دکترین اجرای دقیق شرایط اعتبار، یک اصل حقوقی است که بانک را مجاز می سازد تا مدارکی را که منطبق با شرایط اعتبار نیستند رد نماید؛ زیرا کلیه بانکها به نمایندگی از خریدار عمل می کنند و نماینده باید در حدود اختیارات خود اقدام نماید.

بنابراین، بانک در صورتی حق رجوع به خریدار برای دریافت وجه اعتبار را خواهد داشت که در اجرای وظایف خود دقیقاً منطبق با شرایط اعتبار عمل نماید و در صورت عدم رعایت خواسته های خریدار مسئولیت این بخش از اعمال آنان متوجه خریدار نبوده و عواقب آن را باید شخصاً بر عهده گیرد.

از سویی، فروشنده باید در اجرای صحیح تعهدات خویش دقت نماید و تمام شرایط مندرج در اعتبار اسنادی را رعایت کند. در صورت ارائه اسنادی که با شرایط اعتبار در تضاد باشد استحقاق دریافت وجه

(فقهی، مدنی و تجارت) در واقع قیاس مع الفارق خواهد بود. یعنی، همان گونه که به طور مثال قواعد مربوط به عقد وکالت در حقوق مدنی بر پایه اصول و موازین شرعی و فقهی و قواعد مختص به خود در حقوق مدنی سنجیده و تحلیل می شود، قواعد مربوط به اعتبارات اسنادی نیز باید در قالب حقوقی خاص خود، که همانا حقوق نوین اسناد و اعتبار است، سنجیده شود؛ از این رو، امکان ورود مسائل و مباحث مربوط به حقوق مدنی، از قبیل ایرادات مربوط به روابط اولیه و پرداختن به ماهیت روابط و مال بودن یا نبودن و قبض و اقباض آنها و حدود مسئولیتها و جعل در اینجا نیست و جایگاه خاص خود را دارند.

نتیجه

اثبات نماید عدول از شرایط و مقررات اعتبار اندازه ای اهمیت دارد که قابل اغماض نیست؛ یعنی به کمک موازین موجود در حقوق ملی و با توجه به جایگاه سرعت و سهولت در معاملات بین المللی و انعطاف پذیری علمی در روابط تجاری یادشده اصل را بر صحت گذاشته و موارد خلاف را محتاج به اثبات دانست.

برآیند مقایسه اعتبارات اسنادی با سایر شیوه های پرداخت و تضمین پرداخت در معاملات بین المللی آن است که اصولاً مکانیسم مزبور مطلوبترین و مؤثرترین وسیله در انعقاد و تضمین اجرای قراردادهاست.

منابع

- افتاده، غلامحسین (۱۳۷۶)، «نقش اعتبارات اسنادی در تسهیل و تضمین معاملات تجاری بین المللی نامه اتاق بازرگانی»، نشریه بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۵؛
- بهرامی، شهریار، (۱۳۷۸)، پلی کپی حقوق تجارت بین الملل دوره دکتری حقوق خصوصی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛
- _____ تقریرات درس حقوق شماره ۳، دوره کارشناسی حقوق و حقوق تجارت دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوص، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز؛
- تحلیلی بر مقررات اعتبارات اسنادی ucp-500 و کاربرد آن در معاملات اعتبارات اسنادی، انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی، چاپ اول؛
- دریس کول، ریچارد جی، «نقش اعتبارنامه های تضمین در تجارت بین المللی»، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی، شماره اول، دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران؛
- فتحی پور، علی، «ضمان و معاملات بین الملل»، مجله حقوقی، شماره ۱۳، دفتر خدمات حقوقی بین المللی؛
- کاشانی، محمود (۱۳۷۴)، juris class cur civil، ضمانتنامه بانکی، مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۱۷-۱۶، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛
- _____ (۱۳۷۵-۱۳۷۴)، «ضمانتنامه های بانکی» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷-۱۶، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛
- محبی، محسن (۱۳۷۴)، «جنبه های حقوقی اعتبارات اسنادی بانکی از نظر مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی و حقوق ایران»، کتابخانه

با توجه به کیفیت و نحوه رجوع افراد و اطراف یک اعتبار به همدیگر و حقوق و مسئولیتهای ایشان ملاحظه می شود که در قبال تکالیف و تعهدات واردین و عناصر یک اعتبار، اشخاص یادشده از تضمین حقوقی کافی برای وصول مطالبات و دریافت مابه ازاء تعهدات خویش برخوردار خواهند بود.

اعتبارات اسنادی حسب نیاز جامعه تجاری بین المللی منقسم به انواع مختلفی هستند که کارایی متفاوت و چندگانه ای را به ذی نفع ارائه می دهند و هر کدام از این اعتبارات هم خود در قالب تکنیکهای بانکی مختلف و طرق متفاوتی قابل پرداخت خواهند بود.

در بحث از حقوق حاکم و قواعد حقوقی اعتبارات اسنادی پس از مقایسه این مکانیسم با قالبهای سنتی حقوق فقهی و مدنی می توان چنین استنباط کرد که، نظر به مختصات و ویژگیها و اوصاف اعتبارات در چارچوب حقوق نوین کامبیر که ارزیابی و توصیف اسناد تجاری و اعتبارات اسنادی به واسطه نیاز روزافزون و تکامل علمی و تکنولوژیک معاملات و اسناد تنها از این طریق ممکن و منطقی خواهد بود، نوعی حقوق منحصر به فرد دارند که قیاس آنها با قواعد حقوق سنتی

دفتر خدمات حقوقی بین المللی؛

مهران، محمدرضا (۱۳۷۱)، مدیریت سفارشات خارجی، نشر البرز؛

Tplapy, D. *Introduetoin to the law of international trade.* ■

